

## رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور:

### نظام آموزشی، بیکاری تولید کرده است

سلیمان پاک سرشت که در سال ۱۳۵۱ در پیرانشهر، از شهرهای استان آذربایجان غربی متولد شد اکنون به عنوان رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور فعالیت می کند. پاک سرشت مدرک کارشناسی خود را در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، مدرک کارشناسی ارشد خود در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه علامه طباطبایی و مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۷ اخذ کرده است.

وی به تشریح فعالیت سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور می پردازد و بر این باور است که اگر آموزش مبتنی بر شایستگی را در آموزش و پرورش، برنامه ریزی آموزش مهارتی مبتنی بر نیازهای محلی و مختصات آمایشی را در کنار جریان سازی اجتماعی و فرهنگی برای تقویت باور به اهمیت و سودمندی مهارت آموزی و نیروی انسانی ماهر قرار دهیم مجموع دغدغه هایی که رئیس جمهور در این زمینه دنبال می کند برطرف می شود. در ادامه گفت و گوی ویژه نامه "ایران" با پاک سرشت آمده است:

#### • در ابتدا بفرمایید مقدمه ورود شما به عنوان یک دانشگاهی به حوزه اجرا چه بود؟

ورود من به حوزه اجرا جز در مسئولیت اخیرم در سازمان آموزش فنی و حرفه ای، بیشتر در مدیریت پژوهش بوده است. از سال ۱۳۸۰ در سمت هایی چون معاون پژوهشی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، مدیر کل مطالعات کاربردی دفتر هیات دولت و معاون اجتماعی مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری خدمت کرده و اگر دقت بفرمایید وجه مشترک این نهادها و مراکز، تمرکز آنها بر پژوهش های کاربردی هست. بنابراین مسیر ورود من به مسئولیت های اجرایی، علایق و سوابق پژوهش های کاربردی من در این سال ها و به ویژه فعالیت های آموزشی و پژوهشی در زمینه ی ارزیابی تاثیرات اجتماعی بوده است. این حوزه از مطالعات نسبت نزدیکی با مدیریت اقدامات توسعه ای و سیاستگذاری به معنای عام آن دارد و در ابتدای دولت یازدهم که موضوع مدیریت آثار سیاست ها و مصوبات دولت در دستور کار دفتر هیات دولت قرار گرفت، به همکاری با حوزه ی مطالعات کاربردی دفتر هیات دولت دعوت شدم.

#### • چه برنامه ای در تیم مطالعاتی دفتر هیات دولت دنبال می کردید؟

به طور خلاصه برنامه این بود که پیشنهادهایی که در دستور کار کمیسیون های دفتر قرار می گرفت از باب آثار احتمالی آنها در حوزه های اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و غیره مورد بررسی قرار گیرند و هم زمان با گزارش کارشناسی کمیسیون ها، گزارشی از معاونت مطالعات کاربردی نیز در زمینه مدیریت تبعات مقررات گذاری پیشنهادی ارائه شود تا تصمیم گیری ها با دقت و اثربخشی بیشتری صورت گیرد. با وجود موانع و دشواری هایی که نوعا در مقابل اجرای چنین مطالعاتی وجود دارد در ارتباط با چندین لایحه مهم گزارش های ارزیابی تاثیرات مقررات گذاری یا به اصطلاح (Regulatory Impact Assessment) آماده و ارائه شد. یکی از این گزارش ها در ارتباط با لایحه مرجع ملی آموزش های فنی و حرفه ای تهیه شد که در دستور کار کمیسیون اجتماعی بود و حاصل بررسی های جامع و دامنه داری در چالش های حاکمیتی آموزش های فنی و حرفه ای بود که با کمک نهادهای و دستگاه های ذیربط و کارشناسان خبره این حوزه در کشور انجام شد. هم زمان با اجرای این برنامه مطالعاتی، فعالیت دیگری در مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تحت عنوان اتاق های فکر استانی آغاز شد که از حیث هدف یعنی بهبود فرایندهای تصمیم گیری شباهت زیادی با این برنامه داشت. پس از قریب به ۲ سال از همکاری با معاونت مطالعات کاربردی دفتر

هیات دولت مقرر شد برای پیگیری جدی تر و جامع تر این دو پروژه به مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری منتقل شوم. در موضوع مطالعات ارزیابی تاثیرات تنظیم گری، گروهی متشکل از ۱۰ نفر از محققان جوان و توانمند شناسایی و آموزش داده شدند و در مدت زمان فعالیت این گروه بیش از ۲۰ مطالعه بر روی پیشنهادات در دستور کار کمیسیون های دولت انجام گرفت. در موضوع اتاق های فکر استانی نیز فعالیت هایی برای تقویت جایگاه این اتاق ها در بین نخبگان و پیوندشان با ماموریت های دانشگاه ها و شوراهای برنامه ریزی استان ها دنبال شد.

#### • **نخستین اقدامی که در این راستا صورت گرفت چه بود؟**

مزیت و مطلوبیت این اتاق های فکر در این بود که می توانستند فرآیندهای جدیدی را برای ارتقای کیفیت تصمیم گیری ها در سطوح استانی و ملی ایجاد کنند. چرا که باور داشتیم فرایندهای متعارف تصمیم سازی متکی بر ملاحظات، توان دانشی و اجرایی دستگاه های اجرایی برای درک و حل مسایل و چالش های اساسی کشور کفایت نمی کنند. ویژگی این فرایندها گفتگومحوری آنها بود. به این معنا که مقرر شد در مورد اولویت بندی، تحلیل و ارائه راهکار برای مسایل در سطوح استانی و ملی، مثلی از نمایندگان دولت، جامعه و دانشگاه گفتگو کنند. قرار بر این شد که مدیران دستگاههای اجرایی به نمایندگی از نهاد دولت، نمایندگان تشکل های اجتماعی، اتاق های بازرگانی و سازمان های مردم نهاد به نمایندگی از جامعه و نخبگان دانشگاهی و صاحب نظر نیز به نمایندگی از دانشگاه این گفتگوهای نظام مند را آغاز کنند.

#### • **اولویت شما از تشکیل این مثلث چه بود؟**

چند اولویت در این ارتباط مطرح بود. اول، اولویت بندی صحیح مسایل و چالش ها در سطوح استانی و ملی برای مداخله بود. روشن است که چنین اولویت بندی ای هر چه بیشتر مورد اجماع باشد، شانس حل مشکلات با تکیه بر تشریک مساعی و همکاری مردم، نخبگان و دولت بیشتر خواهد شد.

چند اولویت در این ارتباط مطرح بود. اول، اولویت بندی صحیح مسایل و چالش ها در سطوح استانی و ملی برای مداخله بود. روشن است که چنین اولویت بندی ای هر چه بیشتر مورد اجماع باشد، شانس حل مشکلات با تکیه بر تشریک مساعی و همکاری مردم، نخبگان و دولت بیشتر خواهد شد. دوم، شناسایی راهکارهای مقررات گذارانه برای رفع چالش ها و مشکلات کشور بود. نگاه رایج به حل این مسایل به ویژه در استان ها، جلب منابع مالی از دولت و اجرای پروژه هاست و تقریباً می شود گفت بخش اعظم توان مدیریت استان ها و نمایندگان صرف همین الگو می شود. راهکارها و دخالت های مقررات گذارانه به راحتی و بدون مشارکت همه گروههای درگیر در مسایل آشکار نمی شوند. اتاق های فکر استانی مجالی برای جلب توجه جامعه و نهادهای تصمیم گیر به این نوع راهکارها بود. اولویت سوم نیز جلب مشارکت شبکه ای از نخبگان متخصص در حوزه های مختلف سیاستی بود که به دولت در حوزه های مختلف در تصمیم گیری های ملی مشاوره بدهند. مجموع این سه اولویت در یک فعالیت مطالعاتی منسجم دنبال می شد که بخشی از آن در مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری و بر اساس منابع دستگاهی و موجود انجام می شد و بخش دیگری از آن با حضور در استانها و برگزاری جلسات بحث گروهی با حضور افرادی که اشاره کردم صورت می گرفت. حاصل این فعالیت ۳۱ گزارش مساله شناسی راهبردی استانها بود که در اختیار مقامات و محافل تصمیم گیری ذیربط قرار گرفت و به ویژه در سفرهای استانی رئیس جمهور جایگاه ویژه ای پیدا کرد. در این گزارش ها بر اساس مطالعات آرشویی و میدانی فهرست

چالش های کلیدی هر استان در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و زیرساختی استخراج شده و راهکارهای پیشنهادی و قابل اجرا نیز پیشنهاد می شد.

### • چگونه به سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور وارد شدید؟

همانگونه که اشاره کردم زمانی که با معاونت مطالعات کاربردی دفتر هیات دولت همکاری می کردم، در جریان بررسی لایحه ای تحت عنوان مرجع ملی هماهنگ کننده آموزش فنی و حرفه ای در کمیسیون اجتماعی دولت، مسئولیت ارزیابی آثار تنظیم گری این لایحه به من واگذار شد و مجالی پیدا کردم تا به کمک یک تیم مطالعاتی، نه فقط پیشنهاد ارائه شده بلکه از منظر سیاستگذارانه، چالش های اساسی مدیریت آموزش فنی و حرفه ای در کشور را که بنا بود لایحه مورد اشاره آنها را حل کند، صورتبندی کرده و به این سوال جواب دهیم که چه اقدامی در شرایط فعلی می تواند به رفع این چالش ها کمک کند. در جریان این بررسی چند ماهه تجارب قبلی کشور در اصلاح مدیریت کلان آموزش فنی و حرفه ای و نیز مسایل کنونی دستگاههای ذیربط در کنار تجارب تطبیقی با استفاده از منابع مطالعاتی، مصاحبه با خبرگان و جلسات کارشناسی بررسی شد و حاصل این بررسی در کمیسیون اجتماعی ارائه شد و به روشنی این بررسی در سرنوشت لایحه مورد اشاره تاثیرگذار بود. دو سال بعد از اتمام این بررسی و زمانی که مسئولیت معاونت اجتماعی مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری را برعهده داشتم و موضوع تغییر مدیریت سازمان فنی و حرفه ای جدی شده بود، یکی از دوستان بر اساس تجربه مطالعاتی مورد اشاره، بنده را برای عضویت در گروه ارزیابی کننده ی صلاحیت کاندیداهای تصدی مسئولیت سازمان به دکتر ربیعی معرفی کردند. پس از برگزاری این جلسات مطلع شدم که تعدادی از اعضای گروه داوری، بنده را به عنوان مدیر سازمان به دکتر ربیعی پیشنهاد داده اند و پس از گفتگوهای مفصل و متعددی با ایشان و سایر مدیران عالی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد برنامه ها و اولویت های مدیریت سازمان در دولت دوازدهم، ایشان با حسن نیت به بنده اعتماد کرده و این مسئولیت را در ۱۳ آبان ۱۳۹۶ به بنده سپردند.

### • به نظر شما مهم ترین چالش هایی که نظام آموزش فنی و حرفه ای کشور با آن مواجه است، چیست؟

کلیدی ترین مسأله ای که در حال حاضر با آن مواجه هستیم از ناحیه حکمرانی این آموزش ها است. منظور از حکمرانی مجموع قواعدی است که بر اساس آن ها بازیگران مختلف حوزه آموزش مهارتی در ارتباط با یکدیگر نظامی کارآمد از عرضه و تقاضا برای آموزش های مهارتی را شکل دهند.

کلیدی ترین مسأله ای که در حال حاضر با آن مواجه هستیم از ناحیه حکمرانی این آموزش ها است. منظور از حکمرانی مجموع قواعدی است که بر اساس آن ها بازیگران مختلف حوزه آموزش مهارتی در ارتباط با یکدیگر نظامی کارآمد از عرضه و تقاضا برای آموزش های مهارتی را شکل دهند. این بازیگران شامل ارائه دهندگان آموزش های فنی و حرفه ای رسمی و غیررسمی اعم از دولتی و خصوصی و متقاضیان این آموزش ها مانند بنگاههای اقتصادی در بخش دولتی یا خصوصی و همچنین کاربایی ها و جمعیت های شاغل و بیکار هستند. وقتی می گوئیم در حکمرانی نظام آموزش مهارتی دچار مسأله هستیم یعنی بازیگران مورد اشاره نقش هایی را که در درون این نظام از آنها انتظار می رود بازی نمی کنند. در نتیجه هر کدام دارای شرح وظایف و ماموریت های مستقلی هستند که حتی وقتی به بهترین نحو نیز انجام وظیفه می کنند، نتیجه نهایی برای جامعه، ارتقای بهره وری نیروی کار، انطباق آموزش ها با نیاز بازار کار، کاهش نرخ بیکاری و غیره نیست. لذاست که می بینیم با وجود اینکه سالانه جمعیت زیادی آموزش مهارتی می بینند بنگاههای اقتصادی در یافتن نیروی کار ماهر مورد نیاز خود دچار مشکل هستند. این مشکل ریشه

در این موضوع دارد که ما در سطح کلان یک سیاست ملی منسجم و روشنی برای تربیت نیروی ماهر در کشور دنبال نکرده ایم. البته این مساله مبتلابه کل نظام آموزشی ماست. واقعا کسی می تواند پاسخ دهد که حجم بالای دانش آموزان رشته تجربی در دبیرستان نسبت به سایر رشته ها با کدام نیاز کشور در حوزه منابع انسانی انطباق دارد؟ ایضا دانشگاهها بر اساس کدام اطلاعات در مورد نیاز کشور به نیروی انسانی برنامه ریزی می کنند؟ در حوزه ی مهارت آموزی گمشده ما یک سیاست ملی مهارت آموزی و طراحی نظامی از روابط بین بازیگران بازار حرفه آموزشیست که سبب انطباق بین کمیت و کیفیت تربیت نیروی انسانی با تقاضای برای آن شود. ستاد و شورای عالی آموزش فنی و حرفه ای و سازمان ملی مهارت در دهه های گذشته، تلاش های شکست خورده برای رفع این چالش بوده اند.

• **به نظر شما این چالش چگونه باید حل شود؟ آیا ابزارهای لازم برای رفع این مساله را داریم؟**

در ترکیب شورای عالی بازیگران مختلف بخش های دولتی و خصوصی از حوزه کار و آموزش عضویت دارند و مقرر است سیاست های کلان، هماهنگی های بین دستگاهی و بین بخشی و فرایندهای دیگری مانند سنجش و ارزیابی صلاحیت حرفه ای را انجام دهند.

بله. تصویب قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه ای و مهارتی فرصت خوبی برای رفع این چالش در اختیار ما قرار می دهد. در این قانون شورای عالی و کمیسیون هایی برای هماهنگی و مدیریت کلان امور حاکمیتی فنی و حرفه ای کشور پیش بینی شده است. در ترکیب شورای عالی بازیگران مختلف بخش های دولتی و خصوصی از حوزه کار و آموزش عضویت دارند و مقرر است سیاست های کلان، هماهنگی های بین دستگاهی و بین بخشی و فرایندهای دیگری مانند سنجش و ارزیابی صلاحیت حرفه ای را انجام دهند. نکته مهم در این بین اینکه باید مراقبت کرد که تجارب قبلی و ناموفق مدیریت کلان آموزش مهارتی تکرار نشود. تجارب قبلی تشکیل نهادهای بالادستی یعنی شورا و ستاد عالی نشان می دهد که جلسات دو ماه یک بار و نامنظم شورا به تنهایی نمی تواند پیشرفت چشمگیری در مدیریت کلان آموزش فنی و حرفه ای کشور ایجاد کند. ما برای ایفای نقش موثر شورا به نهادهای و فرایندهایی نیاز داریم که اشراف شورا را بر وضعیت آموزش فنی و حرفه ای فراتر از مواضع دستگاهی تامین کرده و با بررسی های کارشناسی و مقررات گذارانه، کیفیت پیشنهادات در دستور کار شورا را ارتقاء دهند. آموزش و تربیت فنی و حرفه ای و مهارتی یک حوزه بین بخشی هست و مدیریت آن مستلزم فرایندها و اموری هست که باید برای آنها پیش بینی لازم صورت پذیرد. مثلا موضوع رصد وضعیت آموزش های فنی و حرفه ای در کشور و تهیه گزارش های سالانه، تهیه پیوست های مقررات گذارانه و ارزیابی کارشناسانه برای پیشنهاداتی که در دستور کار شورا قرار می گیرند. لازم است کمیسیون ها و دبیرخانه این شورا برای این امور آمادگی داشته باشد. با ملاحظاتی که عرض کردم قطعاً شورا خواهد توانست حجم مسایل ما را به ویژه در ارتباط با ناهماهنگی بین عرضه و تقاضای آموزش های فنی و حرفه ای را کاهش دهد.

• **در مورد فواید و منافع آموزش های فنی و حرفه ای قدری صحبت کنید؟**

آموزش های فنی و حرفه ای در سالهای اخیر در جهان از اهمیت چشمگیری برخوردار شده اند. علت اصلی آن تغییرات چشمگیری هست که در دنیای کار و متاثر از فرایندهای دیجیتالی شدن و پیشرفتهای تکنولوژیک واقع شده و مدیریت سودمند این تحولات و بهره برداری از منافع آن جز با تربیت نیروی ماهر ممکن نیست. به این اعتبار این نوع آموزش ها به عنوان یک رویکرد برای مدیریت تغییرات آینده جوامع مطرح هستند. بیشتر کشورهایی که در دوره ای به آموزش های دانشگاهی توده ای روی آورده اند

اکنون به عنوان یک راه حل به مهارتی سازی آموزش های دانشگاهی روی آورده اند. جامعه ای که از نیروی انسانی ماهر برخوردار است از بهره وری بالاتری برخوردار است. طبق نتایج بررسی ای که اخیرا در اتحادیه اروپا انجام شده است اگر یک واحد به میانگین مهارت شهروندان یک جامعه اضافه شود، نزدیک به ۹۹ صدم درصد GDP کشور ارتقا خواهد یافت. مهارت آموزی فواید اجتماعی نیز دارد. ایجاد عدالت اجتماعی، رفع یا کاهش فقر، توانمند شدن گروههای آسیب پذیر و ایجاد احساس رضایت اجتماعی در شهروندان از نتایج یک نظام مهارت آموزی موفق است.

• **شما با چه ماموریتی به سازمان آمدید و برای این ماموریت چه برنامه هایی تعریف کردید که سال ها ماندگار شود؟**

وزیر محترم در حکمی که به بنده دادند، ۱۴ مورد را به عنوان اولویت های اصلی سازمان آموزش فنی و حرفه ای معرفی کردند که در حال حاضر در دستور کار سازمان هست و در بخش ها و واحدهای مختلف دنبال می شود. طبق این برنامه ها مقرر شده است که سازمان در مسیر همکاری در اجرای طرح های توسعه اشتغال وزارتخانه، ارتقای کیفیت و پوشش مهارت آموزی، انطباق بیشتر آموزش ها به نیازهای محلی بازار کار، توسعه همکاریهای بین المللی حرکت کند. برای انجام این ماموریت ها باید ابتدا فرایندهای موجود سازمان را بررسی می کردیم که تا چه اندازه در مسیر اولویت های فوق قرار دارند و در مواردی که از این حیث فاصله ای وجود دارد، پیش بینی های لازم صورت پذیرد. در مواردی باید برنامه های جدیدی را شروع می کردیم و در مواردی نیز باید با جدیت بیشتری برنامه های موجود تداوم پیدا می کرد.

• **برای تحقق این ماموریت ها چه اقداماتی انجام شد؟**

یکی از اصلاحاتی که در دست انجام است و البته اجرای موثر آن نیازمند زمان است موضوع برنامه ریزی محلی و استانی برای آموزش های فنی و حرفه ای هست. اگر باور داریم که آموزش های فنی و حرفه ای باید متناسب با نیازهای آموزشی نیروی انسانی باشد باید فرایندهایی را پیش بینی کنیم که شناسایی و پاسخ به نیازهای آموزش مهارتی در استان انجام شود. استان ها دارای شرایط متفاوتی از حیث طبیعی، اقتصادی، زیرساختی و برنامه های توسعه ای هستند و نمی توان با یک برنامه مهارت آموزی که از مرکز طراحی و اعمال شود به همه این نیازها پاسخ داد. در سال جاری و در اولین گام مقرر شد برنامه ی سالانه ادارات کل بر اساس تعامل با دستگاههای ذیربط و متقاضی آموزش های فنی و حرفه ای تنظیم شود. در عین حال بر اساس مطالعات منسجم و روشمندی که در هر یک از استانها و بر اساس متدولوژی واحدی انجام می گیرد نیازهای آموزش مهارتی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت استان احصاء شده و بر اساس آن سند توسعه مهارت استان تدوین می شود. در همین راستا و برای اصلاح فرایندهای اداری و افزایش سرعت و دقت تصمیم گیری ها طی بخشنامه ای اختیارات مناسبی نیز برای اداره امور و تصمیم گیری به استانها واگذار شده است. به علاوه گفتگوهایی را با بخش خصوصی و تشکل های بخش خصوصی شروع کرده ایم که در فرایندهای آموزشی نقش موثرتری ایفا کنند. واگذاری امور به بخش خصوصی و خصوصی سازی یک اولویت جدی دولت است و در حوزه آموزش مهارتی این کار مستلزم طراحی مدل جدیدی از ایفای نقش بنگاههای اقتصادی و بخش خصوصی در آموزش فنی و حرفه ای است. در طرح های توسعه اشتغال وزارتخانه یعنی طرح های کارورزی، مهارت آموزی در محیط واقعی کار و اشتغال روستایی، سازمان به عنوان یک کنشگر محوری و تصمیم گیر فعالیت می کند و در هر یک فرایندهای را برای تسهیل مهارت آموزی و یا اجرای آموزش های مهارتی طراحی و اجرا کرده است.

در زمینه روابط بین الملل نیز اقدامات و مذاکراتی با موسسات پیشرو مطالعاتی در حوزه آموزش فنی و حرفه ای در کشورهای سوئیس و آلمان انجام شده و تفاهم های اولیه نیز برای شروع همکاری در موضوع آموزش نیروی کار متقاضی اعزام به خارج از کشور انجام شده است.